https://doi.org/10.22067/ jgrd.2023.83725.1312

Assessing the Feasibility of Strategic Plans in Iranian Cities with an Emphasis on the City of Shahrekord

Goshtasb Kiani
PhD Candidate in Urban Planning, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran

Kourosh Afzali [1]
Assistant Professor, Department of Urban Planning, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran

Keramataleh Ziari
Professor, Department of Geography and Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 5 August 2023 Revised: 2 September 2023 Accepted: 9 September 2023

Abstract
The purpose of proposing the desired problem is to achieve a program that can identify the problems of Shahrekord city at transnational, national, regional and local levels and formulate the necessary goals based on that. Using MAXQDA analytical software, sub-, central and selective codes were extracted to identify factors affecting the realization of urban development plans. In order to determine the feasibility of urban development plans on a global scale, first, various sources such as books, articles, reports, various urban development plans were studied, then coding was done using MAXQDA software. Then, the TOPSIS multi-criteria decision-making model was used to prioritize and rank the factors affecting the realization of urban development plans. By reviewing the specialized research literature, it was determined that various cases have an impact on the non-realization of urban development plans, and in many researches, different mechanisms have an impact on the non-realization. Therefore, the common denominator of most of these researches is the emphasis on structural requirements at the national and regional scale, which is more consistent with the centralized and departmental management model. In addition, the spatial dimensions in the human and natural spheres have an impact on the state of realizability. This impact sometimes is negative on the realizability situation and in some cases it also is positive depending on the conditions governing different areas.

Keywords: Urban Development Plans, Strategic Planning, Urban Culture, Realizability of Shahrekord

1 . Corresponding author. Email: kkafzali1@gmail.com

https://doi.org/10.22067/ jgrd.2023.83725.1312

مقاله پژوهشی

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای، سال بیست و یکم، شمارهٔ ۴، زمستان ۱۴۰۲، شمارهٔ پیاپی ۴۵

تحلیل تحقق‌پذیری برنامه‌های راهبردی در شهرهای ایران با تأکید بر شهر شهرکرد

گشتاسب کیانی (دانشجوی دکتری شهرسازی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی،کرمان،ایران)
gashtaseb.kiani@yahoo.com

کورش افضلی (استادیار گروه شهرسازی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی،کرمان،ایران، نویسنده مسئول)
kkafzali@yahoo.com

کرامت‌الله زیاری (استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران،ایران)
zayyari@ut.ac.ir

صص ۲۵۱ ـ ۲۳۱

چکیده

هدف از طرح مسئله مدنظر دستیابی به برنامه‌ای است که بتواند مسائل شهر شهرکرد را در سطوح فراملی، ملی، منطقه‌ای و محلی تشخیص دهد و براساس آن هدف‌های لازم را تدوین کند. روش تحقیق حاضر به لحاظ ماهیت ازجمله تحقیقات ترکیبی (کمی-کیفی) و به لحاظ هدف ازجمله تحقیقات کاربردی به شمار می‌آید. در این رویکرد ابتدا با استفاده از نرم‌افزار تحلیلی MAXQDA کدهای فرعی، محوری و گزینشی برای شناسایی عوامل مؤثر بر تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری استخراج شدند؛ به این صورت که برای مشخص شدن تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری در مقیاس جهانی، ابتدا منابع مختلف اعم از کتاب‌ها، مقالات، گزارش‌ها، طرح‌های مختلف توسعه شهری مطالعه شد. سپس با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA به کدگذاری مطالب اقدام شد. در ادامه برای اولویت‌بندی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری از مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره تاپسیس استفاده شد. بررسی یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با بررسی ادبیات تخصصی پژوهش

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۶/۱۱ تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۶/۱۸

مشخص شد، موارد مختلفی بر فقدان تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری تأثیرگذارند. در بسیاری از تحقیقات مکانیسم‌های متفاوتی بر تحقق نیافتن تأثیر داشته‌اند؛ بنابراین وجه مشترک اغلب این تحقیقات، تأکید بر الزامات ساختاری در مقیاس‌های ملی و منطقه‌ای بوده است که بیشتر منطبق بر الگوی مدیریت متمرکز و بخشی است. علاوه بر این، ابعاد فضایی در حوزه انسانی و طبیعی بر وضعیت تحقق‌پذیری تأثیرگذار است. این تأثیر به تبع شرایط حاکم بر محدوده‌های مختلف، گاهی موجب تأثیر منفی بر وضعیت تحقق‌پذیری می‌شود و در برخی موارد نیز تأثیر مثبت دارد.

واژگان‌کلیدی: طرح‌های توسعه شهری، برنامه‌ریزی راهبردی، فرهنگ شهرسازی، تحقق‌پذیری، شهر شهرکرد

۱. مقدمه

امروزه شهرهای کشورهای درحال‌توسعه ازجمله ایران، با رشد بی‌رویه شهرنشینی و مسائل متعدد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، زیست‌محیطی، مدیریتی، و درنهایت ناپایداری مواجه‌اند (گرجی‌پور، ۱۳۹۹، ص. ۸۶۱). مطالعات نشان می‌دهد، آنچه تاکنون در بسیاری از کشورها و بیشتر در کشورهای درحال‌توسعه رخ داده است، رشد شهری است که با دو عامل افزایش جمعیت در حومه‌های شهری و گسترش کالبدی شهرها نمود یافته است (بنیتز و سایموز[1]، ۲۰۲۱، ص. ۲). علاوه بر این موارد، پیچیدگی سیستم‌های شهری و ناکارآمدی طرح‌ها و روش‌های سنتی با راه‌حل‌های تک‌بعدی و ناتوانی این روش‌ها در پاسخ‌گویی به نیازها و مشکلات چندبعدی موجود باعث شده است که بسیاری از شهرهای درحال‌توسعه، بدون داشتن برنامه صحیح و همه‌جانبه، در شرایط نابسامانی قرار گیرند و با گسترش ناپایداری و آینده‌ای نامعلوم مواجه باشند. برای رویارویی با این چالش‌ها به بهره‌گیری از طرح‌های راهبردی مناسب و برنامه‌ریزی آینده‌مدار و آگاهانه نیاز است (خزایی و ساسان‌پور، ۱۴۰۱، ص. ۱۹۴).

برنامه‌ریزی استراتژیک فرایندی است که به خلق ابتکارات بهره‌وران خصوصی و عمومی در جهت توسعه شهرها منجر می‌شود. جوهره توسعه استراتژیک احساس مسئولیت در پاسخ‌گویی به نیازهای حال و آینده جامعه و تحقق اهداف تعیین‌شده است که فقط در پرتو توازن و هماهنگی در تحولات ساختاری جامعه محقق می‌شود. درواقع هدف کلان توسعه استراتژیک، ایجاد محیط زندگی‌پذیر برای همه همراه

1. Benites & Simoes

با عدالت اجتماعی، کارایی اقتصادی و پایداری زیست‌محیطی است (ژائو و شی[1]، ۲۰۲۱، ص. ۲۲). آنچه برنامه‌ریزی راهبردی را از سایر اشکال برنامه‌ریزی مشخص می‌کند، ضرورت تشکیل فرایندی برای انتخاب اطلاعات جمع‌آوری‌شده، نحوه استنتاج و تجزیه و تحلیل‌های هدفمند، تدوین اهداف و سیاست‌ها و همچنین نحوه مشارکت تصمیم‌گیران اصلی، تهیه گزینه‌ها و ارزیابی آن‌ها، توجه به امکانات بالقوه آینده نسبت به تصمیمات و اقدامات امروز و علاوه بر همه آن‌ها، تأکید بر نحوه اجرا و اطمینان از انجام موفقیت‌آمیز است (مک فارلن[2]، ۲۰۱۱، ص. ۳۵)؛ بنابراین برنامه‌ریزی راهبردی با توجه به اینکه «طرح‌های جامع» در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای از اوایل دهه ۱۹۷۰ اعتبار خود را از دست داده است و از آن پس در اکثر کشورهای جهان به‌عنوان الگوی سنتی شناخته شده، ارائه شده است (مینیوگن[3]، ۲۰۱۲، ص. ۶۷).

برنامه‌ریزی شهری به شکل نو در ایران، به دوران پس از مشروطیت تعلق دارد. قانون اساسی کشور که در آن دوران با الهام از قوانین اساسی کشورهای فرانسه و بلژیک نگاشته شده بود، در زمینه مدیریت و اداره شهرها نیز ساختاری را معرفی می‌کرد که برگرفته از مدیریت شهری اروپایی بود (سعیدنیا، ۱۴۰۱، ص. ۳۶). این نوع رویکرد باعث شد که آن انسجام کالبدی و سیاست‌های توسعه‌ای که به‌صورت سنتی در نظام برنامه‌ریزی ایران وجود داشت، از بین برود و در دوره‌های مختلف با وجود فقدان تحقق‌پذیری پیشنهادهای کالبدمحور و بدون هدف، هیچ‌گونه رویکرد یا ابزار و الگوی برنامه‌ریزی جدیدی در فرهنگ شهرسازی ایران به وجود نیامد؛ ازاین‌رو با توجه به اینکه مسئله اصلی پژوهش تبیین تحقق‌پذیری برنامه‌ریزی شهری راهبردی در فرهنگ شهرسازی ایران (نمونه موردی شهرکرد) است، ابتدا تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری ارائه شده و پس از آن تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری در ایران و به‌طور ویژه شهرکرد بررسی می‌شود. مروری بر ریشه‌های شکل‌گیری برنامه‌ریزی شهری و متعاقباً طرح‌ریزی شهری و توجه به مبانی نظری و بنیان‌های فکری شکل‌دهنده آن، تداعی فرایند تدوین، بررسی و تصویب طرح‌ها و حضورنداشتن شهرداری‌ها در فرایند مذکور به‌عنوان مهم‌ترین مشکل اساسی تلقی می‌شود. همچنین هماهنگ نبودن پیشنهادهای طرح‌ها با امکانات اجرایی شهرداری‌ها، عامل اصلی تحقق نیافتن بسیاری از پیشنهادهای طرح‌های مذکور تلقی شده است. مشارکت نداشتن مردم در روند تهیه و اجرای طرح‌های جامع شهری و بی‌توجهی به امکانات و شرایط تحقق طرح‌های جامع شهری از دلایل ضرورت

1. Zhao & Shi
2. McFarlane
3. Minuchin

بازنگری در نظام شهرسازی و تهیه طرح‌های مذکور قلمداد شده است (ماجدی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۲).

هدف از طرح مسئله تبیین تحقق‌پذیری برنامه‌ریزی شهری راهبردی در شهرکرد، دستیابی به برنامه‌ای است که بتواند مسائل شهر شهرکرد را در سطوح فراملی، ملی، منطقه‌ای و محلی تشخیص دهد و براساس آن، هدف‌های لازم را تدوین کند. در این راستا ارزیابی شاخص‌های برنامه‌ریزی شهری راهبردی می‌تواند وضعیت محدوده‌های مختلف جغرافیایی شهرکرد را به‌صورت تطبیقی نشان دهد، آن‌ها را از نظر وضعیت امکانات، خدمات و تنگناهای شهری رده‌بندی کند و اولویت بخشد؛ بدین ترتیب به کمک این شاخص‌ها می‌توان قابلیت‌ها و تنگناهای شهری–راهبردی شهر را از منظر میزان بهره‌مندی از خدمات، زیربناها و غیره بررسی کرد تا از این طریق ابزار لازم را برای تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و تعیین اهداف برنامه‌ریزی شهری راهبردی فراهم کند.

۲. پیشینهٔ تحقیق

رهبرنیا و سعیدی‌رضوانی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی تحقق‌پذیری برنامه‌های میان‌مدت شهرداری کلان‌شهرها: مطالعه موردی برنامه پنج‌ساله راهبردی و عملیاتی شیراز (۱۳۹۷–۱۳۹۲)» نشان دادند که ازجمله مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در تحقق‌نیافتن اهداف برنامه‌های میان‌مدت شهرداری شیراز، نبود توجه کافی به ویژگی‌های اجتماعات محلی و نیازهای آن‌ها، ناپیوستگی میان مراحل مختلف برنامه‌ریزی، بی‌توجهی به زمان‌بندی برنامه‌ها، فقدان انعطاف‌پذیری برخی از محورهای برنامه ناپایداری درآمدی شهرداری و... است. با استفاده از مدل تحلیل عاملی، پنج عامل مؤثر در تحقق چشم‌اندازها و اهداف برنامه راهبردی و عملیاتی شهر شیراز مشخص شد. ازجمله مهم‌ترین پیشنهاد ارائه‌شده در این پژوهش برای افزایش تحقق‌پذیری برنامه‌های آینده می‌توان به برقراری ارتباط منسجم بین قسمت‌های مختلف برنامه اشاره کرد؛ به‌طوری‌که چشم‌اندازها و اهداف مختلف برنامه یکدیگر را پوشش دهند. ابراهیمی و زمانی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر وضعیت تحقق‌پذیری برنامه‌ریزی کاربری اراضی طرح جامع شهر ملایر» نشان دادند که به‌طورکلی تحقق‌پذیری کاربری‌های پیشنهادی اندک بوده است. در این بین، کاربری‌های تأسیسات و تجهیزات شهری بهداشتی، بهزیستی، ورزشی، خدمات پذیرایی و جهانگردی کمتر از حد متوسط و کاربری‌های آموزشی اداری انتظامی فضای سبز و پارک جنگلی صنعتی، مذهبی و حمل و نقل، بیش از حد متوسط و نیاز احداث شده‌اند و تنها کاربری‌های، مسکونی، درمانی، تجاری و فرهنگی تحقق‌پذیری متناسب با پیشنهادها طرح جامع داشته‌اند. در این بین،

افزایش بی‌رویه سطح و سرانه کاربری صنعتی و معابر خسارات بیشتری را متوجه شهر ملایر کرده است. نوآوری پژوهش، تحلیل اختصاصی تحقق‌پذیری طرح جامع شهر ملایر است. مولایی و محمدزاده (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «بازشناسی ابعاد و معیارهای تحقق‌پذیری طرح‌های شهری در تجارب معاصر ایران» معیارهای مؤثر در فرایند تحقق‌پذیری پروژه‌های طراحی شهری در ایران را به این ترتیب معرفی می‌کنند: صلاحیت کارفرما، مدیریت پروژه، میزان مشارکت عمومی، قدرت اقتصادی و مالی، صلاحیت پیمانکار پروژه، کیفیت طرح پیشنهادی، صلاحیت مشاور پروژه، میزان تعامل حقوقی کیفیت نظام، برنامه‌ریزی پشتیبانی علمی و آکادمیک، میزان تعامل قانونی. سپس محققان مذکور با ارزیابی میزان تحقق‌پذیری پروژه‌های طراحی شهری در ایران با استفاده از معیارها و شاخص‌های نام‌برده به این نتیجه دست یافتند که در وضع موجود پروژه‌های منتخب تحقیق هم براساس معیارها و هم براساس شاخص‌های تحقیق از حیث میزان تحقق‌پذیری در وضعیت نیمه‌مطلوب تا نامطلوب قرار دارند و این نتیجه را قابل‌تعمیم به کل پروژه‌های اجراشده طراحی شهری ایران می‌دانند. محمدی‌دوست و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل تحقق‌پذیری کاربری فضای سبز با رویکرد راهبرد توسعه شهری در کلان شهر تبریز» نشان دادند که متأسفانه به دلیل فقدان شناخت و رعایت‌نشدن جایگاه فضاهای سبز و عمومی در مرحله تهیه و تصویب طرح‌ها به‌ویژه در زمینه امکان تملک آن‌ها، نداشتن معارض اجتماعی، بی‌توجهی به کاربری‌های پیرامونی، نامشخص بودن جایگاه و ضرورت این کاربری نزد شهروندان و مهم‌تر از همه، نداشتن منابع مالی کافی و پایدار شهرداری‌ها در حفظ این کاربری‌ها، به تغییر کاربری این فضاها و فقدان تحقق‌پذیری آن‌ها و درنهایت کم و کمترشدن سرانه آن‌ها نسبت به شهروندان در گذر زمان می‌شود. مهم‌ترین پیشنهاد در زمینه کاهش و حل این مشکل می‌تواند رفتن به سمت آگاهی‌بخشی عمومی در بین تمامی مؤلفه‌های تأثیرگذار و مقتدرسازی حکومت محلی به‌ویژه در زمینه تأمین منابع مالی پایدار باشد.

تاهلر و همکاران (۲۰۲۰) در نظریه خود اثبات کردند که برنامه‌ریزی استراتژیک می‌تواند تحت‌تأثیر ابزار سیاسی و مدیریت ریسک قرار گیرد؛ به‌عبارتی برنامه‌ریزی استراتژیک معمولاً با تغییراتی که در متغیر ابزار سیاسی و مدیریت ریسک ایجاد می‌شود، دچار تغییر می‌شود. زمانی که سازمان در نظر داشته باشد سطح برنامه‌ریزی استراتژیک را تغییر دهد، پیشنهاد می‌شود که ابتدا سطوح مرتبط با متغیر ابزار سیاسی و مدیریت ریسک را تغییر دهد. هرمنسون و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که متغیر برنامه‌ریزی استراتژیک از متغیر مدیریت شرکت‌های دولتی تأثیر می‌پذیرد؛ به این صورت که سطح تغییرات متغیر مدیریت شرکت‌های دولتی می‌تواند در سطح برنامه‌ریزی استراتژیک

تغییر ایجاد کند. از سوی دیگر این مطالعه پیشنهاد کرد که برای بهبود سطح برنامه‌ریزی استراتژیک، به نظر می‌رسد بهبودهایی در سطح متغیر مدیریت شرکت‌های دولتی می‌تواند مفید باشد. اوج‌ها و همکاران (۲۰۲۰) در نظریه خود رابطه معناداری بین برنامه‌ریزی استراتژیک و متغیرهای برنامه‌ریزی پویا و عملکرد رقابتی ثابت یافتند؛ به‌عبارتی این محققان اثبات کردند، زمانی که سطح متغیرهای برنامه‌ریزی پویا و عملکرد رقابتی ثابت دچار تغییر می‌شود، آنگاه می‌توان انتظار داشت که سطح متغیر برنامه‌ریزی استراتژیک نیز دچار تغییر شود. همچنین متغیرهای برنامه‌ریزی پویا و عملکرد رقابتی ثابت می‌توانند به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی شوند که در جهت تقویت برنامه‌ریزی استراتژیک اقدام کنند. سرشچیکوا و همکاران (۲۰۲۰) این استدلال را داشتند که تغییرات در سطح متغیر مدیریت ریسک می‌توانست بر تغییر در سطح برنامه‌ریزی استراتژیک اثرگذار باشد؛ به‌عبارتی زمانی که سطح متغیر مدیریت ریسک دچار بهبود شود، این انتظار وجود دارد که متغیر برنامه‌ریزی استراتژیک نیز تغییر کند. درصورتی‌که رابطه متغیر مدیریت ریسک با متغیر برنامه‌ریزی استراتژیک همسو و هم‌جهت باشد، می‌توان انتظار داشت که سطح متغیر برنامه‌ریزی استراتژیک با بهبود سطح متغیرهای ارائه‌شده در تحقیق بهبود یابد. تانگ و همکاران (۲۰۲۰) اشاره کردند که برنامه‌ریزی استراتژیک تحت‌تأثیر متغیرهای دیگر در یک سازمان قرار می‌گیرد. زمانی که سطح متغیر عملکرد آنلاین در سازمان تغییر می‌کند، آنگاه سطح متغیر برنامه‌ریزی استراتژیک نیز تغییر می‌کند. همچنین متغیر عملکرد آنلاین اثرگذاری خود را بر متغیر برنامه‌ریزی استراتژیک براساس همسو بودن یا ناهمسو بودن اعمال می‌کند. زمانی که نتایج مطالعه نشان دهد، متغیر عملکرد آنلاین ارتباط همسویی با متغیر برنامه‌ریزی استراتژیک دارد، آنگاه می‌توان گفت که تغییرات آن‌ها سبب تغیرات مثبت در سطح برنامه‌ریزی استراتژیک می‌شود.

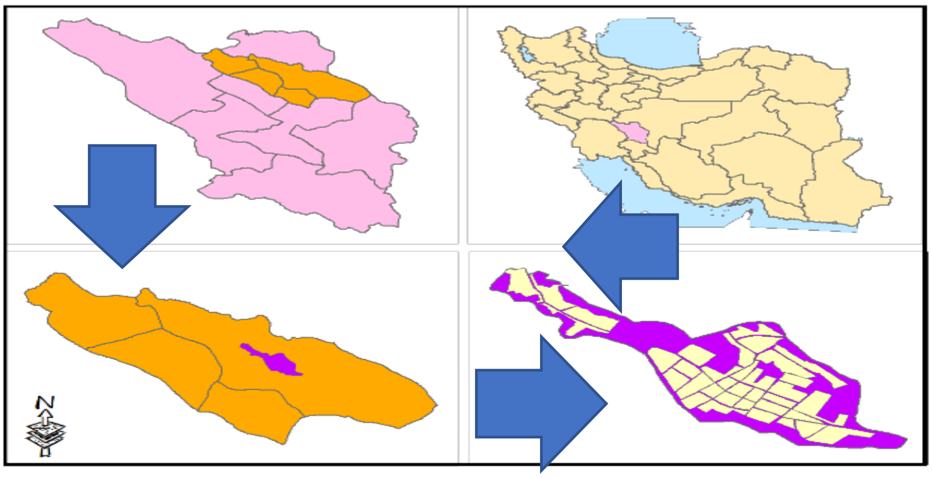
۳. روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق حاضر به لحاظ ماهیت ازجمله تحقیقات ترکیبی (کمی-کیفی) و به لحاظ هدف ازجمله تحقیقات کاربردی به شمار می‌آید. رویکرد تحقیق حاضر از نوع کمی و کیفی است. ابتدا با استفاده از نرم‌افزار تحلیلی MAXQDA کدهای فرعی، محوری و گزینشی برای شناسایی عوامل مؤثر بر تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری استخراج شدند. جامعه آماری پژوهش حاضر، متخصصان و کارشناسان حوزه شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری شامل اساتید دانشگاه، مشاوران شهرساز، دانشجویان دوره دکتری شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری، کارشناسان و مدیران شهرداری و... بودند. نمونه‌گیری به‌صورت انتخابی و به روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی بود. حجم نمونه تا حد اشباع علمی به تعداد ۴۰ نفر

بود. تحلیل اسناد فرایند نظام‌مند بررسی و ارزیابی اسناد (هم چاپی و هم الکترونیکی) است. در این پژوهش، سطح توصیفی شامل توصیفات داده‌های کیفی و کمی بود. درخصوص داده‌های کیفی، توصیفات برگرفته از بازگویی و نقل قول متون و نوشته‌های نهایی بود. علاوه بر این، سطح توصیفی تحلیل شامل شرح ویژگی‌های اصلی داده‌ها، خلاصه‌سازی روش‌شناسی، منطق‌های تحلیل و نتایج مقالات، کتاب‌ها، طرح‌ها و غیره بود. نرم‌افزارهای به‌کاررفته در این طرح، SPSS و MAXQDA بود.

۳. ۱. موقعیت جغرافیایی شهرکرد

شهر شهرکرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری در ۱۰۰ کیلومتری جنوب غرب شهر اصفهان و در ارتفاع ۲۲۰۰ متری واقع شده است. استان چهارمحال و بختیاری سرزمینی مرتفع و کوهستانی و در گستره مرکزی فلات ایران در پیشکوه‌های زاگرس قرار دارد. این استان از شمال و شرق به استان اصفهان، از غرب به استان خوزستان، از جنوب به استان کهکیلویه و بویراحمد و از سمت شمال غرب به استان لرستان محدود می‌گردد. از نظر موقعیت جغرافیایی شهر شهرکرد در طول شرقی ۵۰ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۵۲ دقیقه و عرض شمالی، ۳۲ درجه و ۱۸ دقیقه تا ۳۲ درجه و ۲۰ دقیقه واقع شده است. جهت‌گیری عمومی کوهستان‌ها در اطراف شهر بیشتر شمال غرب – جنوب شرق و غربی – شرقی است. از اصلی‌ترین کوه‌های منطقه می‌توان به کوه کلاه قاضی با ارتفاع ۲۶۰۰ متر، کوه شیدا با ۲۶۰۰ متر، کوه شاه منظر با ارتفاع ۲۶۱۳ متر و کوه بزلر با ارتفاع ۲۶۵۰ متر اشاره نمود. شیب عمومی منطقه در قسمت‌های شمال غربی عمدتاً جنوب غرب و جنوب است و در قسمت‌های شمالی شیب عمومی به سمت جنوب و جنوب شرق است.



شکل ۱. نقشه موقعیت شهر شهرکرد

مأخذ: ترسیم توسط نگارندگان، ۱۴۰۱

۴. مبانی نظری تحقیق

دانش برنامه‌ریزی شهری در اوایل قرن بیستم در انگلستان و آمریکا پا گرفت که اولین نظریه‌پردازان مهم آن ابنزر هاوارد و پاتریک گدس بودند که نظریه آن‌ها به‌عنوان الگوی برنامه‌ریزی جامع یا برنامه‌ریزی عقلانی در سراسر جهان به کار گرفته شد(برایسن[1] و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۱۱). از دهه ۱۹۷۰، از برنامه‌ریزی جامع، به دلیل ناتوانی در شکل‌دهی به تغییرات فضایی در شهرها (به‌خصوص در کشورهای درحال‌توسعه)، انعطاف‌ناپذیری، ارتباط ضعیف با اجرا، کمبود ابعاد مشارکت در آن و شکست آن در جلب همکاری ادارات و نهادهای موردنیاز برای تحقق‌پذیری طرح انتقاد شد (دوز[2]، ۱۹۹۳، ص. ۱۵۸). برخلاف این انتقادها، سبک قدیمی برنامه‌ریزی جامع هنوز در بسیاری از کشورها به کار گرفته می‌شود، اما بسیاری از شهرها در جست‌وجوی جایگزین کردن برنامه‌ریزی فضایی راهبردی به‌جای برنامه‌ریزی جامع‌اند که انعطاف بیشتری دارد، بخش‌ها و نهادهای مختلف را برای برنامه‌ریزی گرد هم می‌آورد، دامنه متغیری از ذی‌نفعان و سطح گسترده‌ای از مشارکت را در بر می‌گیرد (یو ان –هابیتت[3]، ۲۰۰۹) و ارتباط آن با اجرا از طریق بودجه‌بندی مناسب است (تودز[4]، ۲۰۱۲، ص. ۱۵۹). در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته تغییرات اساسی در مبانی طرح‌های شهری صورت گرفته و جهت‌گیری کلی آن‌ها به سمت مردمی شدن بیشتر و انطباق با درخواست‌های جامعه مدنی بوده است(فارلنس[5]، ۲۰۱۱، ص. ۲۴). مکانیسم توسعه شهری در تناقص با طرح جامع شهری سنتی است که چرا این طرح‌ها از انطباق با تحولات و تصحیح فرایندها عاجز است (کین[6]، ۲۰۱۳، ص. ۷۷).

نظر پیتر هال در طرح‌های توسعهٔ شهری به‌جای پرداختن به جزئیات غیرضروری باید بر موضوعات اساسی و همچنین فرایند چرخه‌ای برای رسیدن به اهداف تمرکز شود؛ بنابراین برنامه‌ریزی باید به‌صورت فرایندی گام به گام برای رسیدن به اهداف باشد؛ درنتیجه برنامه‌ریزی راهبردی در پاسخ به ضعف‌های اساسی طرح‌های جامع در برآوردن نیازهای شهر و هدایت رشد و توسعهٔ آتی آن به وجود آمد. در مقایسه با طرح جامع که بر خروجی کالبدی به نام نقشهٔ کاربری زمین تأکید می‌کند، برنامه‌ریزی راهبردی

1. Bryson
2. Devas
3. UN – Habitat
4. Todes
5. Farlance
6. Qian

تمرکزش بر فرایندی بودن برنامه‌ریزی و ارتباط بخش‌های محلی با همدیگر و مشارکت محلی است (پناهنده‌خواه و همکاران، ۲۰۰۹، ص. ۳۳۵)؛ بنابراین برنامه‌ریزی راهبردی صرفاً یک رویکرد نوین به برنامه‌ریزی نیست، بلکه یک شیوهٔ نوین تفکر نیز است. این الگوی برنامه‌ریزی که ابتدا به شکل استراتژی‌های خاص نظامی در جنگ‌ها کاربرد داشت، در دهه ۱۹۲۰ میلادی با الگویی که مدرسهٔ تجاری هاروارد ارائه داد، در زمینه‌های تجاری و بازرگانی رواج یافت. بعد از دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی، هم‌زمان با انتقادشدن از الگوی برنامه‌ریزی جامع، در زمینهٔ برنامه‌ریزی شهری نیز رواج پیدا کرد و به دلیل چرخه‌ای، انعطاف‌پذیری و گام به گام بودن این الگوی برنامه‌ریزی، از توجه ویژه‌ای در دنیا برخوردار شده است؛ به طوری‌که به‌ویژه در دو دههٔ اخیر بسیاری از شهرهای مهم در کشورهای مختلف دنیا دارای طرح راهبردی بوده‌اند (هالا[1]، ۲۰۰۷، ص. ۱۲۷). برنامه‌ریزی راهبردی، بسیاری از نارسایی‌ها و نواقص برنامه‌ریزی جامع را هم در ابعاد نظری و هم در روش‌های تهیه و اجرا برطرف کرده و امروزه درعمل نیز از سوی بسیاری از نهادهای مدیریت و برنامه‌ریزی شهری پذیرفته شده است (پناهنده‌خواه و همکاران، ۲۰۰۹، ص. ۳۳۵).

به‌طورکلی برنامه‌ریزی راهبردی فرایندی است که در آن بر پایه سند چشم‌انداز یا سایر چارچوب‌های مرجع، توجیهی برای اقدامات منسجم و معنایی برای اقدامات عملی به دست می‌آید. امروزه این روش از برنامه‌ریزی از یک طرف به طیف وسیعی از فعالیت‌های برنامه‌ریزی در سراسر اروپا از آغاز دهه ۱۹۹۰ در مقیاس‌های بالاتر از سطح حکومت‌های محلی اشاره دارد و از سوی دیگر، در نظریه‌های برنامه‌ریزی برای ترویج یک مجموعه جدید از نظریه‌های هنجاری به‌منزله معرفی روش «برنامه‌ریزی خوب» استفاده می‌شود. به نظر برخی از افراد ممکن است این نوع دیدگاه به برنامه‌ریزی راهبردی بسیار گسترده باشد؛ بااین‌حال، بسیاری از نظریه‌پردازان برنامه‌ریزی از این دیدگاه گسترده حمایت می‌کنند (آلبرچتس[2] و همکاران، ۲۰۱۷، ص. ۱۳۲). شیوه‌های تهیه و تحقق طرح‌های توسعه شهری و همچنین اهداف و محتوای این طرح‌ها از هنگامی که در هدایت توسعه شهرها استفاده شدند، دست‌خوش تحولات بسیاری شده‌اند. این تحولات در کشورهای مختلف به‌گونه‌ای متفاوت مطرح بوده است و در اغلب کشورها این تحولات یا هم‌زمان نبوده‌اند و منقطع صورت گرفته‌اند یا اینکه برخی از مراحل تحول اساساً مجال تحقق نیافته‌اند. به‌رغم تفاوت تحولات تحقق‌پذیری در کشورهای توسعه‌یافته، وجوه مشترکی نیز

1. Halla
2. Albrechts

وجود دارد که در مراحل زمانی مختلف به وقوع پیوسته است و با توجه به هم‌زمانی وقوع تحولات و نقش مهم این کشورها نیز به‌عنوان الگو استفاده شده است (رضایی و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۴۸).

می‌توان الگوهای نو در برنامه‌ریزی را به جز آن دسته از رویکردهایی که به نفی طرح رسیده است و بیشتر به مطالعه شهرها تا برنامه‌ریزی آن‌ها تأکید دارد، به دو دسته کلی برنامه‌ریزی جامعه‌محور و برنامه‌ریزی بازار محور تقسیم کرد که هرکدام تأکیدات جداگانه‌ای بر نقش و چگونگی مداخله سه عامل اساسی دولت، جامعه و بازار در برنامه‌ریزی دارند. برخی از این الگوها چون برنامه‌ریزی مشارکتی یا ارتباطی، برنامه‌ریزی مردمی یا دموکراتیک و...، بیشتر تئوری‌های هنجاری و محتوایی بوده که شکاف تئوری و عمل آن‌ها هنوز زیاد است و در عمل تاکنون دارای دستاورد چندانی نبوده‌اند، اما کوشش برای یافتن پاسخی به این سؤال که چگونه می‌توان ایده‌های برنامه‌ریزی را محقق کرد، محتوای اصلی همه تئوری‌های فرایندی برنامه‌ریزی بوده است. این دوران هنوز گنگ و نامتجانس را می‌توان دوران مشارکت و دخالت مردم در طرح‌ریزی دانست. برنامه‌ریزی در این رویکرد، از نوع مذاکره‌ای و گفت‌وگویی است و نقش برنامه‌ریزان نیز به میانجی‌گری و مشارکت مداوم در مناقشه تحول یافته است (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۷، ص. ۸). ازجمله الگوهای نوین برنامه‌ریزی که توجهی ویژه به مسئله تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه دارد، برنامه‌ریزی کارآفرین یا بازارمحور است. برنامه‌ریزی کارآفرین در تلاش برای تأمین منافع عمومی، از طریق سازوکارهای بازار و احترام به منافع خصوصی است و سعی می‌کند گرایش‌های خود به خودی و گاه ضدتوسعه بازار را در جهت منافع جامعه هدایت کند؛ بنابراین بسترسازی، کنترل و پایش مستمر بازار، اعم از منافع عمومی تأمین‌شده از یک طرف و اثرات مخرب محیطی، اقتصادی و اجتماعی به‌ویژه توزیع ناعادلانه ثروت از طرف دیگر، از اهمیت فوق‌العاده‌ای در این برنامه‌ریزی برخوردار است. کارآفرینی شهری مسئول تأمین منافع عمومی و کنترل اثرات توسعه در شهرها است و باید همراه با دیگر نظام‌های کنترل اجتماعی اجرا شود تا توسعه به مفهوم واقعی یعنی عدالت و آزادی امکان تحقق یابد (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۷، ص. ۱۰). در چند دهه اخیر، رویکردهای نوینی به‌منظور تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری استفاده شده است که ازجمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) افزایش نقش بخش خصوصی و استفاده از سرمایه‌گذاری آن‌ها

ب) استفاده از مشارکت عمومی

ج) گذر از حکومت شهری به حکمرانی شهری (مهندسان مشاور بافت شهر، ۱۳۸۲، ص. ۱۴).

در نظام برنامه‌ریزی ایران، تحقق‌ناپذیری برنامه‌های تهیه‌شده با رویکرد جامع، به معنای موفقیت اندک در دستیابی به اهداف، و آشکار شدن لزوم تغییر رویکردهای تهیه برنامه‌های توسعه فضایی شهر

بر اکثر صاحب‌نظران برنامه‌ریزی شهری ایران، منجر به تعیین دستور کار جدیدی برای برنامه‌ریزی شد. درنهایت در سال ۱۳۷۸ شمسی و در پی روند نسبتاً طولانی و برقراری تفاهم میان شهرداری شهر تهران و وزارت مسکن و شهرسازی شرح خدمات برنامه‌هایی با عنوان «برنامه‌های راهبردی – ساختاری» و برنامه راهبردی ساختاری شهر تهران به‌منظور رفع کاستی‌ها و چالش‌های الگووارهای جامع تدوین شد. با گذشت چیزی حدود چهار سال از تصویب برنامه، اجرایی‌نشدن و برخوردارنبودن از مقبولیت لازم به‌جز در میان تهیه‌کنندگان آن، صاحب‌نظران مختلف درعرصه برنامه‌ریزی توسعه فضایی را به این باور رسانیده است که الگووارهای راهبردی درزمینه‌های قلمرویی ایران کارایی و مناسبت لازم را ندارد. همچنین پیش‌بینی‌ها دال بر آن است که به دلیل کاستی‌های موجود در تهیه این برنامه، یا اساساً اجرانشده باقی خواهد ماند یا تغییر ماهیت می‌یابد یا از نظر هزینه–فایده اجتماعی–اقتصادی جای مناقشه دارد (رئیس‌دانا، ۱۳۸۸، ص. ۲۵).

۵. یافته‌های تحقیق

۵. ۱. تحلیل چگونگی تحقق برنامه‌ریزی راهبردی در مقیاس جهانی

برای بررسی و تحلیل چگونگی محقق‌شدن برنامه‌های راهبردی و طرح‌های توسعه شهری که جنبه راهبردی داشتند، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شد؛ به این صورت که با مطالعه منابع موجود (نمونه طرح‌های توسعه شهری، مطالعات ارزیابی طرح‌های توسعه شهری، مقالات و کتاب‌های موجود، پایان‌نامه‌ها و سایر کارهای علمی و پژوهشی)، به فیش‌برداری و یادداشت‌برداری اقدام شد. سپس با وارد کردن این یادداشت‌ها در نرم‌افزار تحلیلی MAXQDA، ابتدا ۴۵۰ کد اولیه در قالب ۱۱۰ کد محوری استخراج شد. سپس با بازبینی و تجدیدنظر تعداد کدهای محوری به ۷۹ کد تدقیق شد. در گام بعدی، این ۷۹ کد محوری در قالب ۷ کد گزینشی قرار گرفت. سپس با رتبه‌بندی این کدهای گزینشی مشخص شد که علل تحقق‌پذیری برنامه‌های راهبردی در کشورهای موفق در این زمینه چه بوده‌اند. در ادامه به‌صورت تفصیلی هرکدام از کدهای گزینشی بررسی می‌شوند.

۵. ۲. کد گزینشی انطباق‌پذیری

منظور از انطباق‌پذیری[1]، در طرح‌های توسعه شهری میزان توانایی طرح‌ها در پاسخ به تغییرات درونی و بیرونی محیط است. طرح‌های انطباق‌پذیر، قابلیت سازگاری با تغییرات محیطی را دارند و می‌توانند در مقابل تغییرات انعطاف و تاب‌آوری لازم را داشته باشند؛ به بیان دیگر، انطباق‌پذیری به این معناست

1. adaptability

که طرح‌ها هر چقدر سریع می‌توانند فرایندهای حاکم بر خود را تنظیم کرده و خود را برای دستیابی به اهداف آماده کنند. به‌طورکلی، انطباق‌پذیری، یکی از شروط اصلی برای به دست آوردن مزیت رقابتی شدن شهر به شمار می‌رود. در این پژوهش برای این مؤلفه، ۵۵ کد اولیه در قالب ۹ کد گزینشی استخراج شد. کدهای محوری برای کد گزینشی شامل موارد زیر است: مطابقت با ساختار اقتصادی و سیاسی (۵ بار تکرار در مطالعات)، سازوکار برنامه‌ریزی در درون تشکیلات محیط (۶ بار تکرار در مطالعات)، در نظرگیری خانوارها و بنگاه‌ها (۶ بار تکرار در مطالعات)، هم‌سازی و هماهنگی اهداف موجود در طرح‌ها، با یکدیگر (۸ بار تکرار در مطالعات)، سازگاری طرح‌ها با معیشت و پایگاه اقتصادی ساکنین (۴ بار تکرار در مطالعات)، توانمندی طرح‌ها در حل مشکلات و برآورد نیازهای شهروندان (۷ بار تکرار در مطالعات)، اطلاعات و دانش بومی در زمینه تهیه طرح‌ها (۹ بار تکرار در مطالعات)، مقبولیت طرح‌ها از بعد اجتماعی (موافقت و همراهی مردم با طرح) (۳ بار تکرار در مطالعات)، تناسب داشتن طرح‌ها با ویژگی‌های اقلیمی و شرایط جغرافیایی (۷ بار تکرار در مطالعات).

۵. ۳. کد گزینشی هماهنگی

هماهنگی کارآمد بین طرح‌های راهبردی، به‌خصوص در طرح‌های فرادست و موازی و هماهنگی بین‌نهادی و بخشی، پیچیدگی‌های غیرضروری (چه درونی و چه بیرونی) را کاهش می‌دهد؛ بنابراین طرح‌هایی که از انواع هماهنگی برخوردار است، کارآمدتر می‌شود؛ پویایی بین سطوح خرد و کلان آن افزایش می‌یابد؛ رابطه بین بخش‌های مختلف طرح و ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان آن بهبود پیدا می‌کند؛ اطمینان بین واحدهایی که در آن مجموعه با هم همکاری می‌کنند، بیشتر می‌شود و وظایف نیز به‌روشنی تعریف می‌شوند. به‌طور خلاصه برای تعریف هماهنگی در طرح‌های راهبردی باید گفت، هماهنگی فرایند برقراری ارتباط بین کارها و منابع تمام بخش‌های مختلف یک طرح، به منظور رسیدن به هدف مشخص و مشترکی است. در این پژوهش نیز هماهنگی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی و گزینشی برای مشخص‌شدن تحقق‌پذیری طرح‌های راهبردی استخراج شد. به‌طورکلی تعداد ۶۳ کد در قالب ۱۲ محور برای مؤلفه هماهنگی استخراج شد.

کدهای محوری استخراج شده برای مؤلفه هماهنگی به شرح زیر هستند:

وجود مدیریت هماهنگ‌کننده در شهر (۳ بار تکرار در مطالعات)، هماهنگی نظریه‌های جهانی با اقتضائات فرهنگی (۴ بار تکرار در مطالعات)، ارتباط مناسب با ابعاد ملی و منطقه‌ای (۱۰ بار تکرار در مطالعات)، هم‌راستا بودن اهداف طرح با اهداف طرح‌های بالادست (۷ بار تکرار در مطالعات)، تهیه طرح‌ها مطابق با زمان‌بندی اولیه (۴ بار تکرار در مطالعات)، انطباق طرح‌های انجام شده با الگوی کلی و

استاندارد تهیه طرح‌ها (۷ بار تکرار در مطالعات)، تهیه نقشه‌های معماری و شهرسازی همگون با الگوهای طراحی شهری و اقلیم (۴ بار تکرار در مطالعات)، توجه به اصل کثرت در حین وحدت (۳ بار تکرار در مطالعات)، در نظر داشتن شهر و پیرامون آن در هنگام تهیه طرح (۱۰ بار تکرار در مطالعات)، الزام هماهنگی و ارتباط بین مراحل مختلف مطالعات (۶ بار تکرار در مطالعات)، هماهنگی دستگاه‌های مرتبط با طرح‌های توسعه شهری (۴ بار تکرار در مطالعات)، ارائه راهکارهای پیشنهادی طرح در راستای دستیابی به اهداف مهم طرح (۴ بار تکرار در مطالعات).

۵. ۴. کد گزینشی ارتباط و نظام‌مندی

وجود ارتباط بین ارکان سازمانی و اجرایی طرح‌های توسعه شهری به‌عنوان یک مؤلفه کلیدی برای تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری شناخته شده است. مؤلفه ارتباط و نظام‌مندی در قالب ۱۲ شاخص استخراج شده است.

کدهای محوری استخراج‌شده برای مؤلفه ارتباط و نظام‌مندی به شرح زیر است:

سرمشق مناسب برای اصلاح و تغییر نهادسازی برای موفقیت طرح‌ها، توجه مؤکد به هدف اولیه تهیه طرح‌ها (اجرایی بود)، تدوین چارچوب مطالعاتی دقیق برای مراحل طرح، تفکیک مراحل انجام مطالعات طرح‌ها به بخش‌های مختلف، استفاده از طرح‌های فرادست در خصوص نمایان کردن جایگاه شهر، تعامل بین کارفرما و مشاورین در تنظیم شرح خدمات طرح‌ها، بهره‌گیری از نظرها و پیشنهادهای متخصصان برای اولویت‌بندی نیازها، اولویت‌بندی در مشکلات و نیازهای شهروندان، برآورد منابع مالی و انسانی پروژه‌های طرح، بهره‌مندی از دستاوردها و تجارب گذشته در تهیه طرح‌ها، توجه به ایدئولوژی و فرهنگ حاکم بر جامعه، مشارکت مردمی در تهیه طرح‌ها و طرح مسئله.

۵. ۵. کد گزینشی انعطاف‌پذیری

بسیاری از مسائل و ابعاد باید در روند تهیه طرح‌ها و برنامه‌های شهری مدنظر قرار بگیرد و برای دستیابی به این مهم نیاز است. در ابتدا وضعیت فعلی شهر، ابعاد طرح، روند تهیه، اهداف و چشم‌انداز آینده شهر به خوبی تبیین شود. در این پژوهش نیز انعطاف‌پذیری به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی و گزینشی برای مشخص‌شدن تحقق‌پذیری طرح‌های راهبردی استخراج شد. به‌طورکلی، ۵۷ کد در قالب ۱۰ محور برای مؤلفه هماهنگی استخراج شد. مطابق با نمودار، کدهای محوری استخراج‌شده برای مؤلفه انعطاف‌پذیری به شرح زیر هستند: نگاه چندبعدی به اهداف برنامه‌ها، ظرفیت‌سنجی بخش‌های مختلف و برنامه متناسب آن، انعطاف‌پذیری در شرح خدمات، استفاده از آرای مختلف و مخالف، حرکت از

مرحله حکومت به مرحله حکمروایی، حرکت به سوی جامعه کثرت‌گرا، درگیر کردن ابعاد دیگراندیشی، اصلاح اشتباهات، قابلیت تغییر، قابلیت تغییر ناهم‌خوانی با مقتضیات مکانی و زمانی.

۵. ۶. کد گزینشی واقع‌گرایی

زمینه‌های ارزشی و فرهنگی، نظام فکری و فلسفی آن جامعه‌ای است که مسبب اصلی شکل‌گیری و هدایت نظریه‌ها و الگوهای برنامه‌ریزی شهری خاص خود است. در این میان، مفاهیم و الگوهای شهرسازی در ایران نیز بر اثر موج فراگیر جهانی‌شدن، تحت‌تأثیر رویکردهای غربی، دچار نظام فکری متشتت و بحران هویت شده و لزوم بازتعریف الگوها و بنیادهای شهرسازی مبتنی بر فرهنگ و حکمت ایرانی بیش از پیش آشکار شده است. در این پژوهش نیز دستیابی به تحقق‌پذیری برنامه‌ریزی شهری برای شهر ایرانی واقع‌گرایی مدنظر قرار گرفته است؛ ازاین‌رو، ۵۵ کد اولیه در قالب ۱۰ کد محوری استخراج شد. کدهای محوری برای مؤلفه واقع‌گرایی به‌صورت زیر است: تدوین اهداف عملیاتی، توجه به ارزش‌ها و برنامه‌های هنجارین، توجه به شرایط محلی، توجه به مشکلات و نیازمندی‌ها، ارائه گزینه‌های متعدد در مرحله تهیه و اجرا، وضوح و شفافیت در بیان اهداف طرح‌ها، توجه به اصول معماری و شهرسازی بستر و زمینه، بهره‌گیری از داده‌های به روز و موثق، آینده‌پژوهی متناسب با شرایط موجود، در نظر گرفتن شرایط اقتصادی و اجتماعی موجود جامعه.

۵. ۷. کد گزینشی برنامه‌ریزی غیرمتمرکز و مشارکت‌گرا

سیستم اداری ایران به‌صورت متمرکز اداره می‌شود که این سیستم باعث به وجود آمدن چالش‌هایی در اداره کشور به‌ویژه در حوزه مدیریت شهری بوده است. تاحدودی حرکتی جدید به سمت تمرکززدایی در شهرها شروع شده است، اما به خاطر سیستم پیچیده ساختار مدیریتی و برنامه‌ریزی کشور، هنوز این امر در زمینه تمرکززدایی توفیقی نداشته است؛ به همین دلیل سیستم مدیریت شهری با چالش‌های بزرگی همراه است. در پژوهش حاضر نیز کد گزینشی برنامه‌ریزی غیرمتمرکز و مشارکت‌گرا به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری بوده است که در قالب ۲۰ کد محوری و ۱۱۲ کد اولیه استخراج شده‌اند.

برای مؤلفه برنامه‌ریزی غیرمتمرکز و مشارکت‌گرا به‌صورت زیر است: حضور نمایندگان مردم در جلسات، تسریع در اجراشدن برنامه‌ها و فقدان دوباره‌کاری، وجود اجماع و تعامل در سیاست‌گذاری‌ها، تحقق یافتن انگیزه‌ها و خواسته‌های شهروندان، مدیریت مطلوب و بهینه منابع مالی، طراحی هماهنگ با خواست‌های گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ، در نظر گرفتن مردم به‌عنوان مخاطبان اصلی، ایجاد ارتباط

ذهنی مردم بین وضع موجود و وضع مطلوب، آموزش ساکنین درمورد کیفیت محیط زندگی‌شان، وجود اعتماد در مردم به حاکمیت و تصمیم‌گیرندگان، توجه به آزادی تشکیل گروه‌ها و اجتماعات، دخالت مؤثر مردم در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، هماهنگی با شیوه زندگی و فرهنگ ساکنین، استفاده از وسایل ارتباط جمعی در تقویت روحیه مشارکتی، اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به مردم در تدوین و اجرای برنامه‌ها، مکمل‌گری در انجام وظایف و مأموریت‌ها، شکل‌گیری تشکل‌های مردمی، نبود هم‌پوشانی وظایف در نهادهای مختلف، یک‌صدایی و یکپارچگی در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، واگذاری حداکثر امور با شهروندان.

۵. ۸. کد گزینشی شفافیت

ازآنجاکه شهروندان در تصمیم‌های اتخاذشده برای شهر ذی‌نفع هستند، حق آن‌هاست که از نوع برنامه‌ها و طرح‌هایی مدنظر برای شهر مطلع باشند. در این پژوهش، ۳۸ کد اولیه در قالب ۶ کد محوری استخراج شد. کدهای محوری استخراج شده به شرح زیر است: اطلاع‌رسانی در نحوه تهیه و اجرا برنامه‌ها، مشخص بودن رویه و محتوای برنامه‌ها، دسترسی به نقشه‌های پیشنهادی برای همه شهروندان، ایجاد بانک اطلاعات زمین و کنترل و نظارت بر روند ساخت‌وساز، منابع مالی مشخص و کافی.

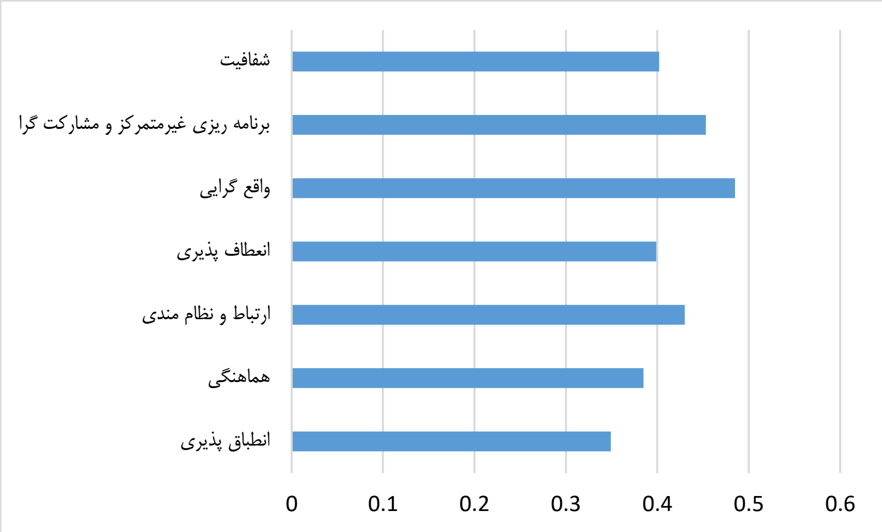
برای مشخص شدن تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری در مقیاس جهانی ابتدا منابع مختلف اعم از کتاب، مقاله، گزارش‌ها، طرح‌های مختلف توسعه شهری مطالعه شد. سپس با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA به کدگذاری مطالب اقدام شد. درنهایت، ۷ کد گزینشی در قالب ۷ کد محوری استخراج شد. به‌طورکلی، کشورهای موفق در زمینه برنامه‌ریزی راهبردی با توجه و تأکید بر مؤلفه‌های انطباق پذیری، هاهنگی، ارتباط و نظام‌مندی، واقع‌گرایی، برنامه‌ریزی غیرمتمرکز و شفافیت توانستند طرح‌های توسعه شهری را محقق کنند.



شکل ۲. کدهای گزینشی و محوری استخراج‌شده برای تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری در مقیاس جهان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

برای مشخص‌شدن اولویت‌بندی هرکدام از مؤلفه‌های استخراج‌شده از مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره استفاده شد؛ به عبارت دیگر، با استفاده از نظر متخصصان و کارشناسان مشخص شد که کدام‌یک از مؤلفه‌های استخراج‌شده بیشترین تأثیر را بر تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهر دارند.



شکل ۳. رتبه نهایی مؤلفه‌های اصلی تحقق‌پذیری

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده در شکل ۳ باید گفت که از میان مؤلفه‌های‌های مطرح‌شده برای شناخت مهم‌ترین عامل در تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری در مقیاس جهانی، مؤلفه واقع‌گرایی و انعطاف‌پذیری بیشترین امتیاز را به خود اختصاص داده‌اند.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

ایده عمومی پژوهش حاضر این بود که زمینه‌ها و فرایندهای سیاسی حاکم بر سیستم مدیریت ایران، موجب شده است که همه حوزه‌ها ازجمله طرح‌های توسعه شهری تحت‌تأثیر قرار بگیرند؛ به عبارت دیگر، برنامه‌ریزی راهبردی (نه به آن صورت که در کشورهای موفق مدنظر است) و طرح‌های توسعه شهری به‌تبع ساختار سیاسی و مدیریتی حاکم بر کشور به‌صورت متمرکز، انعطاف‌ناپذیر، ضعف در ارتباط و نظام‌مندی، بی‌توجهی به شاخص‌های هماهنگی و شفافیت اجرا شده است. در چهارچوب ایده مذکور باید گفت که شهرهای کشور همواره با چالش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، زیست‌محیطی و بخصوص کالبدی مواجه بوده است که همواره افزایش خدمات، فعالیت و... را نسبت به سایر مناطق داشته‌اند. درهرحال، ساختار مدیریتی کشور به‌خصوص در حوزه طرح‌های توسعه شهری و برنامه‌ریزی راهبردی، یک ساختار فضایی بسیار پیچیده است که در ترکیب با انواع متنوعی از عوامل

طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی عمل می‌کند. به‌طور خلاصه باید گفت که برای هر فضای جغرافیایی خاص، سازوکاری ویژه برای تحقق‌پذیری طرح‌ها باید مدنظر قرار داد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ازجمله دلایل تحقق نیافتن برنامه‌های توسعه شهری، فقدان مشارکت‌گرایی و تمرکز در تهیه و تدوین برنامه‌ها است؛ ازاین‌رو پیشنهاد می‌شود که با استفاده از تجارب کشورهای موفق و با درنظرگرفتن شرایط فرهنگی و اجتماعی کشور، راهکارهای اساسی برای مشارکت همه احاد مردم در تمام مراحل طرح‌های توسعه شهری اتخاذ شود.

نتایج نشان داد که تدوین اهداف عملیاتی و متناسب با ارزش‌ها و برنامه‌های هنجارین که مختص به شرایط محلی هر شهر و منطقه جغرافیایی است، به تحقق‌پذیری بیشتر طرح‌های توسعه شهری منجر می‌شود؛ ازاین‌رو پیشنهاد می‌شود که در ارائه اهداف و پیشنهادها طرح‌های توسعه شهری و راهبردی واقع‌گرایی و محل‌گرایی باید تصمیم‌گیرندگان و تصمیم‌سازان مدنظر قرار گیرند.

در نظر گرفتن مردم به‌عنوان مخاطبان اصلی و ایجاد ارتباط ذهنی مردم بین وضع موجود و وضع مطلوب از طریق آموزش ساکنین، موجب اعتماد در مردم به حاکمیت و تصمیم‌گیرندگان می‌شود؛ ازاین‌رو پیشنهاد می‌شود که با دخالت مؤثر مردم در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، شرایط برای تحقق‌پذیری طرح‌های شهری فراهم شود.

در جریان قرار گرفتن مردم و وضوح و شفافیت در بیان اهداف طرح‌ها در تحقق‌پذیری طرح‌های بسیار تأثیرگذار است؛ چراکه موجب مقبولیت و مشارکت بیشتر مردم در اجرای اهداف طرح‌های توسعه شهری می‌شود؛ ازاین‌رو پیشنهاد می‌شود که با اتخاذ سازوکارهای مناسب و دقیق و با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی و اجتماعی موجود جامعه، مردم را در همه مراحل تهیه و تدوین طرح‌ها مشارکت دهند.

یافته‌ها نشان داد که در طرح‌های توسعه شهری در ایران و شهرکرد، نبود مطابقت طرح‌ها با ساختار اقتصادی و سیاسی وجو دارد. علاوه بر این، همه گروه‌ها به‌خصوص خانوارها و بنگاه‌ها اقتصادی را در نظر نگرفته است؛ ازاین‌رو پیشنهاد می‌شود که در طرح‌های توسعه شهری تأکید بر همسازی و هماهنگی اهداف موجود در طرح‌ها با ساختار حاکم باشد و سازگاری طرح‌ها با معیشت و پایگاه اقتصادی ساکنین در نظر گرفته شود.

با بررسی کشورهای موفق در حوزه تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری مشخص شد که اطلاعات و دانش بومی در زمینه تهیه طرح‌ها و مقبولیت طرح‌ها از بعد اجتماعی (موافقت و همراهی مردم با طرح) ازجمله عوامل مؤثر بر تحقق‌پذیری طرح‌ها و برنامه‌های راهبردی شهری است؛ ازاین‌رو پیشنهاد

می‌شود، در شهرهای کشور که طرحی تهیه و تدوین می‌شود، باید شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه میزبان مدنظر قرار گیرد و تا حد امکان طرح مورد مقبولیت عامه مردم قرار گیرد.

کشور ایران به لحاظ اقلیمی و شرایط جغرافیایی بسیار متنوع است؛ به‌عنوان‌مثال، شهرکرد در شرایط قلیمی سرد و کوهستانی و با ارتفاع بالا قرار دارد و شهر کرمان در ارتفاع پایین‌تر و اقلیم گرم و خشک قرار دارد؛ ازاین‌رو لازم است که **تناسب** داشتن طرح‌ها با ویژگی‌های اقلیمی و شرایط جغرافیایی حتماً مدنظر قرار گیرد.

کتابنامه

۱. خزایی، م.، و ساسان‌پور، ف. (۱۴۰۱) بررسی فرایند کاربست توسعهٔ راهبردیِ شهر ملارد با استفاده از مدل Meta SWOT. *مجله آمایش سرزمین*، ۱۴(۱).

۲. خستو، م. (۱۳۹۹). تأثیر شکل شهر بر فرهنگ: رویکردی تار یخی. فصلنامه علمی—پژوهشی جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۱۱.

۳. رضایی، ف.، توکلی‌نیا، ج.، و صرافی، م. (۱۴۰۰) بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در تحقق‌پذیری حکمروایی خوب شهری (نمونه موردی: کلان‌شهر تهران). نشریه علمی جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۲۵(۷۷).

۴. رهنما، م. ر. (۱۳۸۷). پژوهش پیرامون تحقق طرح‌های تفصیلی شهری با تأکید بر کاربری آموزشی، بهداشتی و درمانی. مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد.

۵. رضایی، ن..، ماجدی، ح.، زرآبادی، ز.، و ذبیحی، ح. (۱۳۹۷). تبیین نقش عوامل مؤثر بر تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری (مطالعه موردی: شهر شیراز). نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۹(۳۴).

۶. کیانی، گ.، افضلی، ک.، و زیاری، ک. (۱۴۰۰). مدل ارزیابی تحقق‌پذیری برنامه‌ریزی راهبردی در شهرسازی ایران، نجف‌آباد. مجله جغرافیا و مطالعات محیطی، ۱۰(۳۹).

۷. گرجی‌پور، ف. (۱۳۹۹). چشم‌اندازسازی مشارکتی در فرایند راهبرد توسعهٔ شهری (CDS) شهر گچساران تا سال ۱۴۰۶. رهیافتی در مدیریت بازرگانی، (۲).

۸. ماجدی، ح. (۱۳۹۱). نظریه‌های ساختاری—راهبردی شهری و ناحیه‌ای. تهران: دانشگاه آزاد – علوم تحقیقات.

۹. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران. (۱۳۹۱). شاخص‌ها و معیارهای ارزیابی طرح جامع تهران، نشریه دانش شهر، (۱۱۲).

۱۰. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری کشور. (۱۳۹۸). طرح آمایش استان چهارمحال و بختیاری.

۱۱. مهندسین مشاور شارمند. (۱۳۹۱). *شیوه‌های تحقق طرح‌های توسعهٔ شهری، جلد اول تا سوم، بررسی تجارب تهیه و اجرای طرح‌های توسعهٔ شهری در ایران* (چاپ دوم). تهران: انتشارات مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری.

12. Bryson, J. M. (2018). Strategic Planning for Public and Nonprofit Organizations: A Guide to Strengthening and Sustaining Organizational Achievement. jossey-bass (third edit, Vol. 34). san francisco: jossey-bass. https://doi.org/10.1037/027983
13. Bryson, J. M., Edwards, L. H., & Van Slyke, D. M. (2018). Getting strategic about strategic planning research. Public Management Review. Routledge. https://doi.org/10.1080/14719037.2017.1285111
14. Burt, G., & Nair, A. K. (2020). Rigidities of imagination in scenario planning: Strategic foresight through ‘Unlearning’. Technological Forecasting and Social Change, 153, 119927.
15. Globocnik, D., Faullant, R., & Parastuty, Z. (2020). Bridging strategic planning and business model management–A formal control framework to manage business model portfolios and dynamics. European Management Journal, 38(2), 231-243.
16. Guevara, E., Babonneau, F., Homem-de-Mello, T., & Moret, S. (2020). A machine learning and distributionally robust optimization framework for strategic energy planning under uncertainty. Applied Energy, 271, 115005.
17. Hermanson, D. R., Tompkins, J. G., Veliyath, R., & Ye, Z. S. (2020). Strategic planning committees on US public company boards: Axiomatic or paradoxical?. Long Range Planning, 101967.
18. Hersperger, A. M., Bürgi, M., Wende, W., Bacău, S., & Grădinaru, S. R. (2020). Does landscape play a role in strategic spatial planning of European urban regions?. Landscape and Urban Planning, 194, 103702.
19. Iwaniec, D. M., Cook, E. M., Davidson, M. J., Berbés-Blázquez, M., & Grimm, N. B. (2020). Integrating existing climate adaptation planning into future visions: A strategic scenario for the central Arizona–Phoenix region. Landscape and Urban Planning, 200, 103820.
20. Jaeckel, A. (2020). Strategic environmental planning for deep seabed mining in the area. Marine Policy, 114, 103423.
21. Khatib, M., & Farahanynia, M. (2020). Planning conditions (strategic planning, task repetition, and joint planning), cognitive task complexity, and task type: Effects on L2 oral performance. System, 93, 102297.
22. Malik, M. Z., Kumar, M., Soomro, A. M., Baloch, M. H., Gul, M., Farhan, M., & Kaloi, G. S. (2020). Strategic planning of renewable distributed generation in radial distribution system using advanced MOPSO method. Energy Reports, 6, 2872-2886.

23. McFarlane, C., 2011, Assemblage and critical urbanism. City 15.2, 204–24. TRETTER, ELIOT M., 2012, Contesting Sustainability: ‘SMART Growth’ and the Redevelopment of Austin’s Eastside, International Journal of Urban and Regional Research, Volume 37.1, pp. 297–310
24. Minuchin, L (2012). A lineal city in the Pampas polities. Materialization and revolution in Wladimiro Acosta’s vision for Buenos Aires Antipode 44(4), 911-931.
25. Ojha, D., Patel, P. C., & Sridharan, S. V. (۲۰۲۰). Dynamic strategic planning and firm competitive performance: A conceptualization and an empirical test. International Journal of Production Economics, ۲۲۲, ۱۰۷۵۰۹.
26. Pakzad, J, (2010), Theoretical Basis and Urban Design Process. Shahidi Publishing House, Third Edition.
27. Pakzad, Jahanshah (2016) Theoretical Foundations and Urban Design Process, Ministry of Housingand Urban Development, Tehran
28. Syreyshchikova, N. V., Pimenov, D. Y., Mikolajczyk, T., & Moldovan, L. (2020). Development of a Risk Management Technique in Strategic Planning of Universities. Case study of a Polytechnical Institute. Procedia Manufacturing, 46, 256-262.
29. Tripodi, T., Fellin, P. & Epstein I. (1971). Social Program Evaluation: Guidelines for Health, Education, and Welfare Administrators, F. E. Peacock Publishers.
30. Tang, P., He, F., Lin, X., & Li, M. (2020). Online-to-offline mobile charging system for electric vehicles: Strategic planning and online operation. Transportation Research Part D: Transport and Environment, 87, 102522.
31. Thaler, T., Nordbeck, R., Löschner, L., & Seher, W. (2020). Coopßeration in flood risk management: understanding the role of strategic planning in two Austrian policy instruments. Environmental Science & Policy, 114, 170-177.
32. Zhao, H. & Xiuhua, Sh. (2021). Study on the Development Strategy of Tourism City Planning in Harbin under the Background of New Urbanization. IOP Conf. Ser.: Earth Environ. Sci. 787 012055, pp. 1-5.
33. Zhu, Qian (2013). Master plan, plan adjustment and urban development reality under China’s market transition: A case study of Nanjing. Cities, 30, 77-88.